

# عیاری، جوانمردی و پهلوانی در تاریخ ایران

محمد نادری

دبیر بینش اسلامی، شهر تهران

## اشاره

نویسنده مقاله، پهلوان بی‌بدیل ایلامی است که با ثبت بیشترین تعداد شنای زورخانه‌ای، نامش در حال ثبت در کتاب گینس است!

## مقدمه

جوانمردی و پهلوانی، آئینی است که خاستگاه آن به سرزمین متمدن و کهن ایران باز می‌گردد. در هر عصر، هم‌اندیشمندان و هم‌عامة مردم برای جوانمردی و پهلوانی احترام قائل بوده‌اند، به ویژه از آنجا که جوانمردان معمولاً دین توحیدی داشته‌اند اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند و خصلت‌های آنان برای مردم همواره الگو بوده است.

جوانمردان و پهلوانان نسبت به موازین انسانی پای‌بند بودند. از بذل جان و مال خود نسبت به هم‌نوعان دریغ نمی‌کردند. تواضع و فروتنی آن‌ها زبان زد بود. برای حفظ وطن خود از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. در مقابل ظالمان و ستمگران بسیار سخت‌گیر بودند. مشی راه رفتن و تناول آن‌ها متعادل و مؤدبانه بوده است. از موارد فوق استنباط می‌شود که خصایص جوانمردان و پهلوانان برای عموم مردم الگوی مناسبی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** جوانمردی، پهلوانی، ایران باستان، شاهنامه فردوسی

## سابقه پهلوانی و عیاری

کلمه پهلوان ریشه در ایران باستان دارد، به این معنی که «پهلوی» منسوب به «پهلو» است و این واژه در دوره هخامنشی «پَرثَوَه» گفته می‌شد. همچنین نام قوم پارتیان (اشکانیان) از اصطلاح «پَرثَوَه» گرفته شد بنابراین پهلوانی منسوب به

پَرثَوَه باستان است. (گیرشمن: ۳۱۶-۳۱۸)

همچنین اقوام بیابانگرد سکاها ساکن در شرق دریای خزر به جنگجویان خود «پهلوان» اطلاق می‌کردند. آن‌ها پهلوانان را ارج می‌نهادند و این ریشه در تاریخ سرزمین آن‌ها دارد، زیرا مرگ طبیعی در نظر آنان امری «قییح» و «شرم‌آور» می‌نمود. (همان)

در فرهنگ معین پهلوان به معنی دلیر، شجاع و نیرومند آمده است. (معین: ج ۱: ۲۵۶) همچنین در فرهنگ دهخدا پهلوان به معنی سخت‌توان، دلیر و زورمند یاد شده است. (دهخدا، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۲۰)

ملک‌الشعرا بهار نیز در سبک‌شناسی نوشته است که عیار کلمه عربی نیست و اصل آن «اذیوار» پهلوی بوده و بعدها معرب گردیده است. بهار معتقد است که عیاری و عیارپیشگی در سرزمین خراسان بزرگ زمینه تاریخی دارد و عیاران سابق مانند احزاب امروزی، دارای سازمان‌هایی بوده‌اند با اهداف و مرام‌های مشخص اجتماعی، اخلاقی و سیاسی که در شهرهای بزرگ خراسان تشکیلات منظم اداری داشتند و لباسشان نیز مخصوص به خودشان بود و اصل کارشان بر جوانمردی و فداکاری و حمایت از مظلومان بوده است که جمعیت فتیان یا حزب فتوت در واقع نوع اصلاح شده این سازمان عیاری است. (ملک‌الشعرا، سبک‌شناسی: ۱۲۳)

در فرهنگ اندراج آمده است که عیار به تشدید «یا» در اصل به معنی شخصی می‌باشد که در جنگ با خود سلاح و جامه مخصوص داشته و کارهای مخفی انجام داده و به معنی ذوفنون و استادکار بوده و نیز اسب با نشاط و شیر درنده و مرد بی‌باک و شبرو را گویند. (شاد، ۱۳۳۵، ج ۲: ۱۲۴)

بنابر این پهلوانی ریشه در تاریخ دارد و پهلوانان انسان‌های فاخر جامعه شناخته می‌شدند، نکته قابل تأمل اینکه این اصطلاح با تلفظ دیگر بعد از اسلام نیز رایج بوده است.

## تاریخچه و خاستگاه فتوت

در داستان‌ها و حکایت‌هایی که در لابه‌لای رساله‌ها و کتب ادبی و تاریخی آمده، از عیاران به نام‌های گوناگونی یاد شده است، از جمله در عراق و شام (فتی)، در ترکیه (آخی)، در مصر و مغرب (سقوره)، در سوریه (أحداث)، در خراسان به نام‌های عیاران، شبگردان، جوانمردان، سرهنگان، مهتران، پهلوانان، یاران سرداران و در قسمت‌های ازبکستان و تاجیکستان، بازماندگان این گروه را به نام (الوفته) یاد می‌کرده‌اند. (واسع، ۱۳۶۷: ۱۴۰ و ۱۴۱)

در خراسان سابقه یا رشته اتصال عیاران و جوانمردان را می‌توان در زمان ساسانیان در ارتباط با کیش‌ها و آیین‌های باستانی، مانند دین زردشتی و دین مزدکی جست‌وجو کرد، به‌ویژه در فلسفه زردشت که انسان مقام والا و ارزنده‌ای داشته و بر آدم‌گری و انسان بودن محیط اجتماعی همواره تأکید می‌کرده است. (همان) با این حال، اینکه فتوت از کجا آغاز شده و فتیان و جوانمردان سلسله خویش را به چه کس و کسانی مرجوع و منسوب می‌کنند امر مهمی است که در اکثر منابع درباره آن بحث شده است و در یک نگاه کلی می‌توان انبوه نظرات در این مورد را به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته‌ای که خاستگاه فتوت را ایران، خاصه ایران پیش از اسلام، می‌دانند و دسته‌ای که در پی سرچشمه‌ای دینی و خاصه اسلامی برای این جریان هستند.

ملک‌الشعراى بهار سرآغاز جوانمردی در ایران را از میان **اسواران** - اسوار به معنی سوار، آزاده و دلیر است - عصر قدیم و دوره هخامنشی می‌داند. این اسواران در ایالات ایران پراکنده بودند و هفت خانواده از آنان از همه معروف‌تر بوده‌اند و هر خانواده در یک ایالت ریاست آن ایالت را برعهده داشته است. هر اسوار باید چند ویژگی می‌داشت، از جمله اینکه خانواده‌دار باشد، نامش در دیوان دولتی ثبت باشد، شجاع و راستگو و صاحب هنر و اسباب باشد و شاید از همه مهم‌تر جوانمرد باشد. (ملک‌الشعرا، مقاله جوانمردی: ۱۰۹ و ۱۱۰)

سعید نفیسی نیز سرآغاز این جریان را مربوط به

پیش از اسلام می‌داند. به اعتقاد او ورود باورهای مانوی به این جریان، خود گواه این مدعا است. (نفیسی، ۱۳۴۱، به نقل از هنری کربن: ۱۴۹)

البته محققان اروپایی از جمله «فرانتس تیشنر» مبدأ فتوت را انجمن‌ها و اتحادیه‌های اواخر عهد عتیق و شهرهای امپراتوری روم شرقی (بیزانس) می‌دانند. (همان: ۱۳۸) اما برخی از منابع و محققان نیز، خاصه آن‌ها که با تصوف مرتبط‌اند، در پی ریشه‌ای دینی، قرآنی و به‌طور کلی اسلامی برای فتوت هستند. **ابن رسولی** (نیمه قرن پنجم) که رساله‌ای در باب فتوت دارد، این جریان را میراث پیامبران و امامان می‌شمارد و می‌گوید از زمان حضرت آدم آیین فتوت در جهان پیدا شد و آدم به گزاردن حق قیام کرد و چون مدت وی به پایان آمد در باب آن به شیث نبی وصیت کرد و سپس به نوح انتقال یافت و از نوح به سام رسید تا خلیل‌الرحمن ابراهیم ظاهر شد و به فتوت ابراهیم در قرآن تصریح شد.

آن‌گاه در زمان موسی (ع) آنچه از جوانمردی پنهان مانده بود آشکار شد و موسی کلیم‌الله آن را به هارون فرمود و پس از آن فتوت در عیسی مسیح (ع) ظاهر شد و سرانجام به حضرت رسول اکرم (ص) رسید (محبوب، بی‌تا: ۳۰۸)

## صفات پهلوانان با تکیه بر زندگی رستم

پهلوان کامل به کسی گفته می‌شد که دارای هفت صفت زیر می‌بود؛ صفاتی که در رستم یک‌جا جمع بوده است:

**زورمندی:** قدرت جهانی رستم خارق‌العاده بود. وی، هنگامی که به سفارت نزد شاه مازندران رفت و سران سرزمین مازندران با لشکری به پیشوازش آمدند، درخت تنومندی را از ریشه کند و به سوی آن‌ها افکند تا زور بازوی خود را نشان داده باشد.

**هنرمندی:** هنرمندی به معنای چالاکى، مهارت و دقت اصابت در تیراندازی بود. این هنرمندی را در نخستین جنگ تن‌به‌تن رستم با افراسیاب می‌بینیم. همچنین در نبرد او با اشکبوس، کاموس، خاقان چین و پولادوند نیز این هنر دیده می‌شود. وی فقط با چند تیر به جنگ اشکبوس می‌رود، با تیر اول اسب او و با تیر دوم خودش را از پا در می‌آورد. در بعضی موارد کمند به کار می‌برد، تا حریف را زنده به چنگ آورد. معمولاً همان ضربه اول او به دشمن کارگر می‌افتاد. رستم زور بازو و

به منیژه نیز در نهان داشتن هویت خود دروغ می‌گوید: اسفندیار نیز، که هم پهلوان است و هم شاهزاده، در مورد فراخواندن رستم به خوان به او دروغ می‌گوید. (اسلامی ندوشن، زندگی و مرگ پهلوانان: ۲۶۰ و ۲۶۱)

چو دست از همه حیلتی در گسست  
حلال است بردن به شمشیر دست  
(گلستان سعدی: ۱۱۲)

**زبان آوری:** صفت دیگر پهلوان زبان آوری است. زبان آوری به معنای حاضر جوابی و زیبایی و رسایی و حدت بیان است. پهلوان باید بتواند خود را خوب بستاید و در نزد دشمن رجز خوانی کند و از دادن جواب نافذ در نماند؛ رستم چنین پهلوانی است. **جوانمردی (فتوت):** جوانمردی بخشودن گناه است. رستم، گناه را اگر از ضعف بشری ناشی باشد و ناقص یکی از اصول مهم انسانی نباشد می‌بخشد. اما هنگامی که پای کین خواهی بزرگی در میان باشد این جوانمردی (فتوت) مانع از سنگدلی و سختگیری پهلوان نمی‌شود. (هانری کربن، آیین جوانمردی: ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۲)

### ادوار مختلف پهلوانی در شاهنامه

شاهنامه فردوسی گرچه در قرن پنجم هجری سروده شده است اما یک حماسه ملی است که زمان رویدادهای حماسی را به پیش از تاریخ نسبت می‌دهد و با این کار آغاز پهلوانی را پیش می‌برد. (صفا، حماسه‌سرایی در ایران: ۱۳)

در شاهنامه سه دوره متمایز را می‌توان تشخیص داد:

۱. **دوره اساطیری:** این دوره عهد کیومرث، هوشنگ، تهمورث، جمشید و ضحاک تا ظهور فریدون... را شامل می‌شود. در این دوره آدمی با حکومت، کشاورزی، پوشاک و مسکن آشنا می‌شود. به کشف آتش نایل می‌شود و از دیگر پیشه‌ها آگاهی‌های لازم را کسب می‌نماید... (کشاورز، فتح‌الله، ادبیات حماسی: ۲۳، ۲۲، ۱۱، ۱۰)

۲. **دوره پهلوانی:** این دوره با نزاع تازه‌ای میان خیر و شر آغاز می‌شود و آن قیام کاوه آهنگر و فریدون، پسر آبتین، است در برابر بیدادگری‌های ضحاک. بنابراین دوره پهلوانی از قیام کاوه آهنگر آغاز می‌شود و با کشته شدن رستم و سلطنت بهمن، پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد. (همان: ۷۰)

در عموم آثار حماسی ایران افرادی به نام «پهلوان»



هنرمندی را با جسارت همراه داشت. این ناشی از اطمینان او به شکست‌ناپذیری خویش بود.

**نیروی اعتقاد:** رستم هیچ‌گاه خدا را از یاد نمی‌برد. همواره از او یاد می‌کند و زور و فر و هنر را از او می‌داند و هرگاه شرایطش سخت می‌شود. سر به سوی آسمان برمی‌دارد و از خدا مدد می‌خواهد. همواره بر این اعتقاد است که برای نیکی و در راه حق شمشیر می‌زند و این اعتقاد او را به پشتیبانی پروردگار مستظهر می‌سازد. هر پهلوان بزرگی نیش و نوش و درشتی و نرمی را به هم می‌آمیزد. رستم نیز چنین است، و تا گزینۀ صلح وجود دارد سعی می‌کند از جنگ بپرهیزد.

**چاره‌گری و تدبیر:** پهلوان همان‌گونه که هنرمندی و چالاک‌ی و زور بازو دارد، باید بیدارمغز و چاره‌گر نیز باشد. رستم چنین است و هرگاه لازم می‌داند از به کار بردن نیرنگ و حيله ابایی نداشت. پهلوان می‌تواند دل پر از کیمیا داشته باشد. تورانیان این اعتقاد را درباره ایرانیان داشتند که آنان مردمی ریمن<sup>۱</sup> هستند. نیرنگ تا آنجا که دور از اصول جنگ و مردانگی نباشد، عیب پهلوان نیست... دروغ‌گویی به خودی خود در جنگ عیب نیست؛ چه، جنگ تا حد زیاد آمیخته با سیاست است. رستم چون مصلحت نمی‌داند که هویت خود را فاش کند، به سهراب دروغ می‌گوید؛

## فتوت و جوانمردی در ایران دوره اسلامی

بعد از اسلام اصطلاح «فتی» به معنی «جوانمرد» به کار رفته است، پس فتوت به معنای مردانگی است. در فرهنگ گذشته، فتوت به معنای عیاری به کار می‌رفته و جنبه اجتماعی داشته است. عیاران گروهی بودند که به خنجر و سلاح مجهز بودند و از دیگران مال می‌گرفتند و از محلی به محلی می‌رفتند و در عین حال جانب مردانگی و بلند نظری را نگه می‌داشتند.

گاهی دفاع یک قسمت از شهر یا محله به عهده آنان بود آن‌ها عموماً دروغ نمی‌گفتند، تجاوز نمی‌کردند، اهل خیانت نبودند و به صفاتی همچون بخشش، آزادگی، شجاعت، مهمان‌نوازی، بزرگ‌منشی و وفای به عهد آراسته بودند. (دهخدا، ۱۳۷۰، ج ۴: ۷۸۰) اینان برای خود آداب و عادات و فرهنگ خاصی داشتند. (واعظ کاشفی، ۱۳۴۸)

درباره ریشه واژه عربی «فتی» که در فارسی به معنای «جوانمرد» است، باید گفت که این

کلمه در قرآن کریم در چندین مورد به کار رفته است.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد با توجه به آیات، معنی کلمه «فتی»، «جوان خوب» یا «جوانمرد» می‌باشد.

راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: «فتی» به معنی نوجوانی، طراوت جوانی و جوان از مردم و جمع آن فتیه و فتیان است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۵۶)

«فتیه»، بر وزن فعله، جمع فتی در اصل به معنی جوان نواخته و شاداب است، ولی گاهی به افراد صاحب سن و سالی که روحی جوان و شاداب دارند نیز گفته می‌شود. معمولاً این کلمه با یک نوع مدح به خاطر صفات جوانمردی و مقاومت و شهامت و تسلیم در مقابل حق همراه است. شاهد این سخن حدیثی است که از امام صادق (ع) نقل شده است: امام از یکی از یاران خود پرسید «فتی»

یافت می‌شوند. همه صفات خوب ملی ایرانیان، یعنی ایران دوستی، اطاعت و مردانگی، شجاعت، عظمت روح و فکر و امثال این‌ها در پهلوانان ایرانی پیدا می‌شود. همه این پهلوانان مردمانی، شجاع، ساده‌دل، خودستا، جوانمرد، سخنور و کارآگاه‌اند. به‌طور کلی، جهان‌بینی شاهنامه، دفاع از «خوبی» در برابر «بدی» است. این دفاع با دادن قربانی‌های بی‌شمار صورت می‌گیرد. از این رو پهلوانان شاهنامه که سلسله جنبان این نبرد هستند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

**الف. پهلوانان نیکوکار:** که عمر و سعادت خود را در خدمت خوبی می‌گذرانند. بعضی از آن‌ها نمونه عالی انسانی و مبرای از هر عیب هستند، چون فریدون، سیاوش و کیخسرو؛ اما بعضی دیگر خالی از ضعف و عیب نیستند مانند رستم، گودرز، توس و غیره...

**ب. پهلوانان بدکار:** که وجود آنان سراپا با خبث و شرارت سرشته شده است، چون ضحاک و سلم و تور و گرسیوز و گروهی زره؛ و در حد کمتری افراسیاب، و در بین زنان سودابه. وجود اینان همیشه منشأ جنگ و تباهی و نکبت می‌شود.

**ج. پهلوانانی که آمیخته‌ای از خوبی و بدی‌اند:** این پهلوانان گاهی جانب این‌گرایش را می‌گیرند و گاهی طرف‌گرایش دیگر را؛ چون کیکاووس در ایران و پیران در توران. در بین این پهلوانان، حدت و قدرت و قاطعیت مشترک است. همگی زندگی خروشان و گرانبار دارند. چه آنان که به راه نیکی می‌روند و چه آنان که به راه بدی؛ همه با استواری و آگاهی این راه را می‌سپارند حتی در پستی قهرمانان نابکار، استحکام مردانه‌ای دیده می‌شود. همه زندگی را دوست دارند و از قوای خود بهره کامل می‌گیرند. مرگ را بزرگ‌ترین دشمن می‌شناسند، گرچه زندگی خود را هر لحظه در خطر روبه‌رو شدن با آن قرار می‌دهند. (اسلامی ندوشن: ۱۱۲ و ۱۱۳)

**۳. دوره تاریخی:** دوره تاریخی دوره‌ای است که تصورات پهلوانی و داستانی و همین اعتقاد به اعمال خرق عادت و غیرعادی، به تدریج از میان می‌روند و اشخاص و اعمال تاریخی و واقعی جایگزین آنان می‌شوند. از این پس حماسه ملی ایران بعد تاریخی می‌یابد. (کشاوری: ۷۳-۷۶)

اقدام جوانمردانه دیگر امام

حسین(ع) آب دادن به سپاه

تشنه حر بود. وقتی سپاه خسته

حر به امام رسیدند تشنه بودند.

در این زمان امام حسین(ع)

دستور داد همه لشکر هزار

نفری حر و حتی اسب‌هایشان

را سیراب کنند! یکی از آنان

که دیرتر رسیده و تشنه‌تر و

بی‌رمق‌تر بود، امام به دست خود

او و اسبش را سیراب کرد

به چه کسی می‌گویند؟ او در پاسخ عرض کرد: فتی را به جوان می‌گوییم، امام (ع) فرمود: آیا تو نمی‌دانی که اصحاب کهف همگی کامل مرد بودند، اما خدا از آن‌ها به‌عنوان فتنیه نام برده چون ایمان به پروردگار داشتند. سپس فرمود: هر کس به خدا ایمان داشته باشد و تقوی پیشه کند جوانمرد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۲: ۳۵۷)

بنابر عقیده بهار کلمه عیار اصلاً ریشه عربی نداشته، بلکه از زبان پهلوی آمده است و معنی آن جوانمرد است، نظر بهار را افرادی چون پرویز ناتل خانلری و محمدجعفر محجوب نیز زیر عنوان «آیین عیاری» تأیید و تصدیق کرده‌اند.<sup>۳</sup>

از نگاه عبدالحسین زرین‌کوب آیین جوانمردی و عیاری یکی از شاخه‌های تصوف است، بر همین اساس که او از یک عده دانشمند نام می‌برد که قبل از آنکه به تصوف گرویده باشند، جوانمرد بوده‌اند. به عقیده زرین‌کوب، داش‌ها و لوطی‌های امروز ایران نیز دنباله همان عیاران و جوانمردان قدیم‌اند. (زرین‌کوب، ۱۳۴۴: ۱۷۸)

در فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب آمده است که معنی و مفهوم فتوت جوانمردی است و راستی را درسه مقام نگاه داشتن عبارت از فتوت است: «آمدیم با شرح صفت جماعتی که ایشان را به صفت مردی یاد می‌کنند در کلام‌الله مجید. اول بدان که معنی فتوت جوانمردی است و تا مردی تمام نشود جوانمردی صورت نیندد و حق جل و علا، مردان را به چندین جا در کلام‌الله مجید یاد می‌کند، از جمله آن پی‌فرماید: «رجال یحبون ان یطهروا و الله یحب المطهرین.» (زرکوب، ۱۳۷۰: ۱۱۸)

### اصطلاحات مرتبط با فتوت

آیین جوانمردی و فتوت، مانند تصوف، از خود ادبیات و اصطلاحات ویژه‌ای دارد، مانند: نقیب، بیت، کبیر، حزب، نسبت، وکیل، شد، عیب، رفیق، بکر، جد، ثقیل، تکمیل، محاکمه، وقف، لنگر، آستانه، زعیم و تعبیر، که با داشتن این اصطلاحات

از فرقه‌های صوفی فرق بارزی پیدا می‌کند. ما در اینجا برای روشن شدن مطلب برخی از این اصطلاحات و واژه‌ها را به‌گونه‌ای مختصر توضیح و تشریح می‌کنیم:

۱. **نقیب:** به کسی گویند که تمام کارهای آیین فتوت و جوانمردی را پیش می‌برد.
۲. **بیت:** گروه ممتاز فتوت را گویند.
۳. **کبیر:** مقدم یا پدر یعنی پیش‌قدم را گویند.
۴. **حزب:** عده‌ای از فتیان را گویند که به یک فتی یا جوانمرد مربوط باشند.
۵. **وکیل:** به کسی گفته می‌شود که قائم‌مقام و کفیل فرایض کبیر یعنی حزب فتوت باشد.
۶. **شد:** به کمربندی گفته می‌شود که در آغاز کار قبولی، جوانان در کمر خود بسته می‌نمایند.
۷. **رفیق:** دوست و مصاحب فتیان و جوانمردان، که خود نیز از جمله پیروان آیین جوانمردی است.
۸. **بکر:** به کسی که تازه خواسته باشد به آیین جوانمردی داخل شود گفته می‌شود.
۹. **جد:** بزرگ جوانمردان و فتیان را گویند.
۱۰. **تکمیل:** پوره کردن شرایط فتوت است.
۱۱. **لنگر:** جای گرد آمدن جوانمردان است.
۱۲. **آستانه:** همچنان محل گرد آمدن و تجمع فتیان و جوانمردان است. (قربان واسع، ۱۳۶۷: ۱۴۰ و ۱۴۱)

## اخلاق‌مداری و جایگاه جوانمردی در اسلام

### دیدگاه اسلام درباره جوانمردان

در قرآن از اصحاب کهف به‌عنوان فتنیه یاد شده است.<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۴-۱۶)

«برانگیخته شدم تا فضایل اخلاقی را به سر حد کمال برسانم» پیامبر (ص) حقیقتی را در دین مبین اسلام هویدا کرد که تا آن زمان مخفی مانده بود، و آن حقیقت چیزی نیست مگر ارتباط محکمی که میان دین از یک طرف و اخلاق و جوانمردی از طرف دیگر وجود دارد. بنابراین، واژه گران‌قیمت «جوانمردی» که خود سیره نبوی است؛ با قاطعیت در دین مبین اسلام به کار رفته است.

حال به ذکر صفاتی چند از اخلاق جوانمردانه که از توصیه‌های اسلام برای انسان کامل است اشاره می‌کنم:

کلمه پهلوان ریشه در ایران

باستان دارد به این معنی

که «پهلوی» منسوب به

«پهلو» است و این واژه در

دوره هخامنشی «پَرثَوَه»

گفته می‌شد. همچنین نام

قوم پارتیان (اشکانیان) از

اصطلاح «پَرثَوَه» گرفته شد

بنابر این پهلوانی منسوب به

پَرثَوَه باستان است





۱. بی‌رغبتی به دنیا ۲. ثقافت، به معنی استادی و کسب بهروزی از علم و ادب و اخلاق ۳. حلم ۴. خشوع ۵. زعامت، به معنی شرف و بزرگی ۶. سعادت ۷. صفا ۸. ضیاء و نورانیت دل ۹. طاعت ۱۰. ظرفیت ۱۱. علم (همان)

از نگاه حضرت علی(ع) که در حقیقت قطب این طریقت و مدار این فضیلت است، آیین فتوت دارای مبانی و اصولی است که اساس آن بر هشت قاعده گذاشته شده است، آنجا که فرموده است: «اصل الفتوت الوفاء و الصدق و الامن و السخاء و التواضع و النصیحت و الهدایت و التوبه و لا یستحق اهل الفتوت الامن یستعمل هذه الخصال - یعنی اصل فتوت این هشت خصلت است و هر کس مستعمل این خصایل نباشد، مستحق اسم فتوت نبود.» و چون از وی پرسیدند که علامت و نشانه کمال فتوت چیست؟ فرمود: «هی العفو عندالقدرت، و التواضع عندالدولت، و السخاء عندالقلت و العطیب بغیرمنه - یعنی عفو در وقت قدرت، تواضع در زمان دولت، سخا در هنگام فقر و عطاء بی‌منت.» (غررالحکم: ۱۵۶)

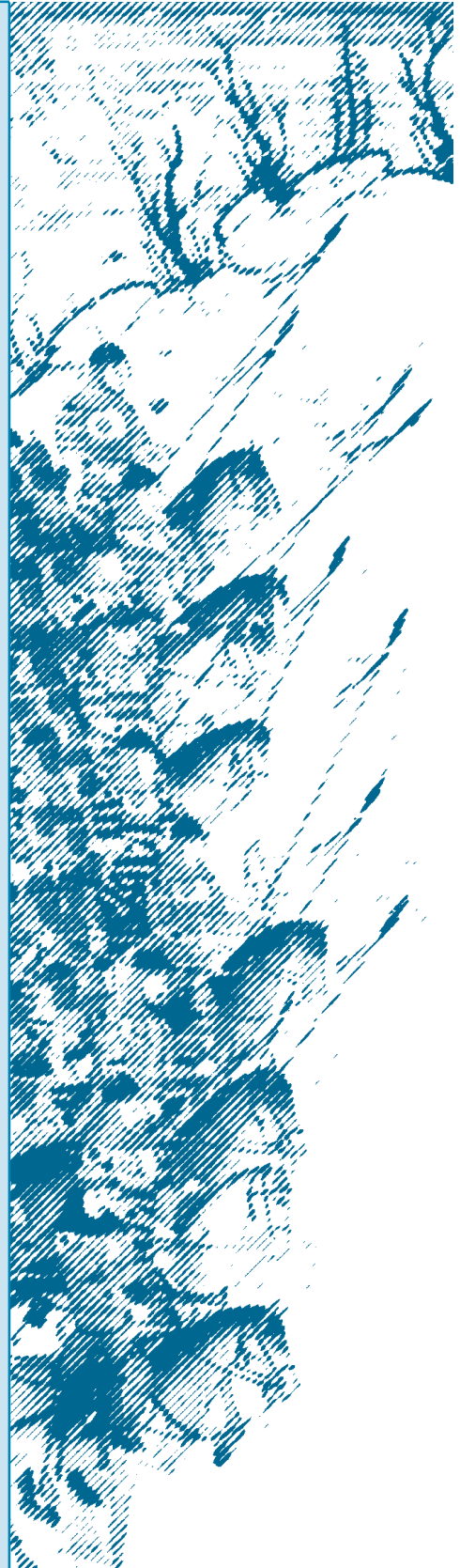
در خبیر است که پیامبر(ص) روزی با جمعی نشسته بود، شخصی درآمد و گفت: یا رسول‌الله(ص)! در فلان خانه مردی و زنی به فساد مشغول‌اند. فرمود: ایشان را طلب باید داشتن و تفحص کردن. چند کس از صحابه در احضار ایشان دستوری خواستند؛ هیچ یک را اجازه نداد. در این وقت علی(ع) درآمد، فرمود: یا علی! تو برو و ببین تا این حال راست است یا نه؟ علی(ع) رفت و چون به در خانه رسید چشم بر هم نهاد و در اندرون رفت و دست بر دیوار می‌کشید. تا گرد خانه برگردید و بیرون آمد. چون پیش پیغمبر رسید گفت: یا رسول‌الله! گرد آن خانه برآمدم هیچ کس را در آنجا ندیدم. رسول‌الله(ص) فرمود: یا علی! «انت فتی هذه الامه.» یعنی تو جوانمرد این امتی. بعد از آن قدحی آب و قدری نمک خواست. سلمان فارسی آن را حاضر کرد. رسول خدا کفی نمک برداشت و گفت: «هذه الشریعة» و در قدح افکند. و کفی دیگر برداشت و گفت: «هذه الطریقه» و در وی افکند، و کفی دیگر برداشت و گفت: «هذه الحقیقه» و درو انداخت و به علی(ع) داد تا قدری باز خورد و گفت: «انت رفیقی و انا رفیق جبرئیل و جبرئیل رفیق الله تعالی.» بعد از آن سلمان را فرمود تا رفیق علی شد و قدح از دست او باز خورد، و حذیفه را فرمود تا رفیق سلمان شد

و قدح از دست سلمان باز خورد.

بعد از آن زیره جامه خود در علی پوشانید و میان او در بست و فرمود که: «اکملک یا علی.» یعنی ای علی تو را تکمیل می‌کنم. و مأخوذ فتوت و اصل این طریقت این حدیث است: «شرب قدح و لیس ازار» و بستن میان که اکنون میان جوانمردان متعارف و قاعده فتوت بر آن مؤسس و اساس طریقت رفاقت و اخوت بر آن می‌نهند و تصحیح نسبت به شجره خویش بدان می‌کنند. از اینجاست. (کاشی، ۱۳۷۰: ۱۲ و ۱۳)

از امام علی(ع) درباره فتوت و جوانمردی سخنان دیگر نیز گفته شده که از نقل آن می‌گذریم.

یاران امام حسین(ع) زیباترین جلوه‌های جوانمردی و فتوت را در حماسه عاشورا از خود نشان دادند، چه با حمایتشان از حق، چه با جانبازی در رکاب امام تا شهادت و چه در برخورد انسانی با دیگران، حتی دشمنان. امام حسین(ع)، خود مظهر اعلا فتوت بود. وی از یاران شهیدش و جوانمردانی از آل محمد(ص) که روز عاشورا



به شهادت رسیدند، با همین عنوان یاد می‌کند. (موسوعه کلمات الامام الحسین، ۱۳۷۸: ۴۸۲) و از زندگی پس از شهادت آن عزیزان به خون آرمیده، احساس دلتنگی می‌کند.

**عمل مسلم بن عقیل** در خانه هانی بن عروه را در خودداری از ترور ابن زیاد، در حالی که به راحتی می‌توانست از پشت به او حمله کند و وی را بکشد نیز می‌توان از جوانمردی مسلم دانست. (ابن اعثم، ۱۳۸۰: ۸۵۱-۸۴۹)

هانی هم به نوبه خود جوانمرد بود. وقتی او را به اتهام پنهان کردن مسلم در خانه‌اش دستگیر کرده به دارالاماره بردند، ابن زیاد از او خواست مسلم را تحویل دهد. اما هانی این را نامردی دانست و در پاسخ به آنان گفت:

«به خدا قسم هرگز او را نخواهم آورد. آیا مهمان خودم را بیاورم و تحویل بدهم که او را بکشی؟ به خدا سوگند اگر تنهای تنها و بدون یاور هم باشم او را تحویل نخواهم داد، تا در راه او کشته شوم!» (ابی‌محنف، وقعه‌الطف: ۱۱۹)

در مسیر راه کوفه، وقتی امام حسین (ع) با سپاه حرّ برخورد کرد و آنان راه را بر کاروان حسینی بستند، زهیر بن قین به امام پیشنهاد کرد که اینان گروهی اندکند و ما می‌توانیم آنان را از بین ببریم و جنگ با این‌ها آسان‌تر از نبرد با گروه‌هایی است که بعداً می‌آیند. امام فرمود: «ما کنت لابدأهم بالقتال»، من شروع به جنگ نمی‌کنم. (شیخ مفید، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸۲) این یک گوشه از مردانگی امام حسین (ع) است.

اقدام جوانمردانه دیگر امام حسین (ع) آب دادن به سپاه تشنه حرّ بود. وقتی سپاه خسته حرّ به امام رسیدند تشنه بودند. در این زمان امام حسین (ع) دستور داد همه لشکر هزار نفری حرّ و حتی اسب‌هایشان را سیراب کنند! یکی از آنان که دیرتر رسیده و تشنه‌تر و بی‌رمق‌تر بود، امام به دست خود او و اسبش را سیراب کرد. (حیاه‌الامام الحسین، ج ۳: ۷۴)

در روز عاشورا، وقتی حرّ تصمیم گرفت به امام بییوندد توبه کنان نزد آن حضرت آمد. امیدی نداشت که امام از گذشته او بگذرد، ولی جوانمردی امام سبب شد او را پذیرا شود و توبه‌اش را قبول کند. (امین حسینی عاملی، ۱۹۸۶، ج ۱: ۶۰۳)

## کسوت جوانمردان

فتیان و جوانمردان بسیار پیشین، در روزگار

خراسان دوره اسلامی، باید از دست (استاد) و یا (مطلوب) خود زیرجامه می‌پوشیدند، که پوشیدن این زیرجامه نیز آداب و ویژگی‌های خاصی داشت؛ چنان که نجم‌الدین زرکوب در مورد این آداب و اصول چنین نوشته است:

اما چون لباس فتوت پوشند، ایشان که برادران فتوت باشند، حلقه بندند و صاحب تربیه در میان حلقه نشینند؛ چنان که قبله در دست چپ باشد تا چون برخیزند، باز گردند و روی به قبله، بند زیرجامه ببنند و اگر روی با قبله بنشینند، در وقت زیرجامه پوشیدن، پای نکشند، عزت قبله را و بعد کف پای با زمین برابر دارند.

اما اول کسی که زیرجامه پوشید، ابراهیم خلیل (ع) بود و اول کسی که مهمانی کرد هم او بود. قال النبسی صلی الله علیه و سلم- اول من اضاف الصیف ابراهیم و اول من لیس السراویل ابراهیم. و گفته‌اند: لافتی الایسراویل. یعنی نیست جوانمردی الا به شلوار و معنیش آن باشد که امانت شلوار نگه دارند تا به حرام نکشایند. (زرکوب، ۱۳۷۰: ۱۹۵) باید گفت که پوشیدن سراویل و کلاه نیز از خود آداب مخصوصی دارد و بخشی از پوشاک فتیان و جوانمردان را تشکیل می‌داد. کلاه برای احترام و بزرگداشت مقام فتیان و شلوار یا سراویل، نشانه عفت و پاکدامنی آنان محسوب می‌گردید. سراویل یا شلوار در نزد جوانمردان تا آن اندازه دارای ارزش و اهمیت بود که آن‌ها سر خود را می‌دادند اما شلوار خویش را نه؛ چنان که این شعار: «سربده، سراویل مده» از همان روزگار جوانمردان قدیم تا امروز اهمیت خود را داراست. (همان)

پیرامون لباس پوشی عیاران و جوانمردان آمده است که: «جامه عمومی جوانمردان آسیای صغیر، قبای پشمین سپید بود؛ برخلاف صوفیان که قبای پشمین کبود می‌پوشیدند. به همین جهت ایشان را پشمینه‌پوش می‌گفتند. قبای موین سپید جوانمردان آسیای صغیر را (قتلن سومی) می‌گفتند. شال که یک زرع طول داشت و به دوش خود می‌انداختند و این در میان لوطیان ایران نیز معمول بود و گاه به جای شال پشمین لنگی بر دوش خود می‌انداختند.» (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۴۷) لازم به یادآوری است که جوانمردان به طور عموم سراویل را تا اندازه‌ای کوتاه می‌پوشیدند؛ چنان که این طرز لباس پوشی آنان امروز هم در میان (کاکه)های کابل و دیگر ولایات افغانستان به چشم می‌خورد.

## سخن آخر

امروزه با توجه به توسعه ورزش قهرمانی و غلبه برخی ویژگی‌های این نوع ورزش‌ها، هم‌چنان روح پهلوانی در جامعه ایران جاری و ساری است؛ حال، چه پهلوانانی از جنس شادروان **غلامرضا تختی** و یا پهلوانانی از جنس رزمندگان هشت سال دفاع مقدس که هر دو حکایت از غلبه اخلاق و معنویت در فضای عمومی جامعه دارد. تبیین عملی مبانی جوانمردی و فتوت برای ایجاد یک بازخورد عینی در فضای عمومی جامعه ضروری است، زیرا قویا بر این باوریم که فرهنگ و آیینی در مقام و جایگاه فتوت، که فراتر از گروه و دسته‌ای خاص است، می‌تواند در تحول رو به رشد زندگی روزمره و غلبه بر بحران‌های اخلاقی جهان معاصر، کارا، مؤثر و مثمر ثمرات مانا و دیرپا باشد. پهلوانی که یکی از مظاهر جوانمردی است باید به مقوله‌ای فراتر از صرف آمادگی جسمانی، به مرتبه‌ای از پالایش روحی مبدل شود. زورخانه هم نه فقط مکانی برای گردآمدن و ورزیده شدن که مکانی برای در خدمت اجتماع بودن باید باشد که در آن، پهلوان به جنگ نفس رود و در عین حال با اجتماع و مردم همراه گردد. پهلوان ایرانی باید کسی باشد که از آوردگاه جهاد اکبر که جنگ با نفس است به سلامت درگذرد و به مثابه سیاوش پهلوان از هیمة آزمون آتش، سربلند و سرافراز، پای بیرون نهد. گذشتن او از چنین آوردگاهی، او را از «قهرمان» به «پهلوان» تبدیل می‌کند؛ همچنان که حضرت علی (ع) در نبرد با عمرو بن عبدود، نخست نفس خویش را مغلوب کرد و سپس، حریف را، پوریای ولی نیز به تاسی از مولایش شادکردن دل پیرزنی را که چشم به پیروزی فرزندش در رویارویی با پوریای ولی داشت بر پهلوانی حاکم ترجیح داد. بعضی از آداب و رفتار جوانمردان که برگرفته از دستورات انسان‌ساز اسلام است مورد بررسی قرار گرفته است از قبیل: رعایت کردن بهداشت در امور زندگی مخصوصاً خوردن و آشامیدن. داشتن تقوا و دوری کردن از حسد و بخل و صفات ردیله. اطاعت کردن و احترام و تکریم اساتید و بزرگان. مشی راه رفتن و لباس پوشیدن، که بسیار باوقار و متانت همراه بود.

امید آن که جوانان کهن بوم ایران به افتخارات تاریخی و فرهنگی خویش ببالند و در مسیر شریف و ارزشمند جوانمردی و فتوت گام بردارند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. مکار، حیلہ‌گر، کینه‌توز، (محمدعین، فرهنگ فارسی)
۲. آیتی که در آن «فتی» آمده است: سوره‌های انبیاء، آیه ۶۰؛ یوسف، آیات ۶۲ و ۳۰؛ آیه ۴۳؛ کهف، آیات ۶۲، ۶۰، ۱۴ و ۱۳؛ نساء، آیات ۷۷، ۶۰، ۴۹ و ۴۳؛ اسراء، آیه ۷۰.
۳. غلام حیدر یقین، آیین عیاری، رک:

<http://www.heratonline.com/articles/ayyaran.htm>

۴. سوره کهف، آیه ۱۰

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. ابن‌اعثم کوفی؛ الفتوح، ترجمه مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
۴. امین حسینی عاملی، محسن؛ اعیان الشیعه، بیروت: دارالمعارف، ۱۹۸۶.
۵. حیدر یقین، غلام؛ آیین عیاری، ۱۳۶۷، رک. <http://www.heratonline.com/articles/ayyaran1.htm>
۶. دهخدا، ع. ا. لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۷. زرکوب، نجم‌الدین؛ فتوت‌نامه، به کوشش مرتضی صراف، بی‌جا، ۱۳۷۰.

۸. زرین کوب، عبدالحسین؛ ارزش میراث

صوفیه، تهران: آریا، ۱۳۴۴

۹. راقب اصفهانی؛ المفردات الفاظ قرآن، باب ف، چاپ اول، مرتضوی، ۱۳۶۹.

۱۰. سپهرودی، شهاب‌الدین یحیی؛ فتوت‌نامه، تصحیح مرتضی صراف، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۰.

۱۱. شساد، م. ب؛ فرهنگ آندارج، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام، ۱۳۳۵.

۱۲. شیخ مفید، الارشاد، ترجمه محمد محمدی، قم: سرور، ۱۳۸۸

۱۳. عبدالواحد، تمیمی آمدی؛ نظام الفتوة احتمال عنرات الاخوان و حسن تعهد الجبران (غیرالحکم). بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۱۴. قاضی قضایی؛ دستور معالم الحکم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.

۱۵. کاشی، عبدالرزاق؛ تحفة الاخوان فی

خصائص الفتیان، تصحیح مرتضی صراف، تهران، ۱۳۷۰، م. ق

۱۶. کیکاووس، عنصرالمعالی؛ قابوس‌نامه، به کوشش سعید نفیسی، تهران: بی‌نا، ۱۳۲۹.

۱۷. محجوب، محمدجعفر؛ بی‌تا، جوانمردی و آیین آن، لوئیزن، میراث تصوف، بی‌نا.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: مکتب‌الاسلامیه، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۰.

۱۹. موسوعه الامام الحسین، جمعی از نویسندگان، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، ۱۳۷۸

۲۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۷ تا ۹، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۲۱. نفیسی، سعید؛ سرچشمه تصوف در ایران، تهران: عبدالکریم جریزه‌دار، بی‌نا، ۱۳۸۳.

۲۲. واسع قربان؛ آیین جوانمردی، کابل: بی‌نا، ۱۳۶۷.

۲۳. واعظ کاشفی، ملاحسین، فتوت‌نامه سلطانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.

۲۴. هاشمی سع؛ گوهری از تبار صالحان، قم: آیین دانش، ۱۳۹۱.

۲۵. نفیسی؛ فتوت و کتاب‌های مهم مربوط به آن، مجله فرهنگ ایران زمین، دوره ۱۰، ش ۱-۴، ۱۳۴۱.

۲۶. فرانسیس تیشنر، مقاله فتوت در کشورهای اسلامی، مجله دانشکده ادبیات، دوره ۴، ش ۲، ۱۳۳۵.

۲۷. حریان و دیگران؛ تاریخ ایران باستان، جلد ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷.

